

۲۹ سوره حجر، همه گفته‌های محلی بجز همین جمله را نقل می‌کند (ج ۱، ص ۲۱۶) و در توجیه عمل خود می‌گوید که آیه *قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي* (اسراء: ۸۵) بصراحت نشان می‌دهد که «شناخت» روح از جمله علوم الهی است و لذا امساک در تبیین آن اولی است (ج ۱، ص ۲۴۰؛ برای نمونه‌ای دیگر از تفاوت رأی آنها - تفسیر کلمه صابین در ج ۱، ص ۱۰، ۱۰۶، ۲۴۰، ج ۲، ص ۳۸).

سیوطی و محلی، بجز نقلهایی اندک از اقوال صحابه و تابعین چون ابن عباس و عکرمه، از هیچیک از کتب تفسیر و مفسران گذشته سخنی نقل نکرده‌اند. همچنین در توضیحات لغوی، نحوی، بلاغی، فقهی و کلامی به هیچ کتاب یا مؤلفی استناد نکرده‌اند. بیشترین ارجاعات ایشان به منابع حدیثی چون صحاح سته، مستدرک حاکم نیشابوری و معجم طبرانی است (برای نمونه - ج ۱، ص ۲۲-۲۳، ۴۸، ۵۴، ۱۴۹، ۱۸۳، ۱۹۱، ج ۲، ص ۱۷۷). مقایسه‌ای کوتاه میان دو بخش این تفسیر نشان می‌دهد که نقل روایات و استناد به کتب حدیثی که در بخش دوم - تألیف محلی - بسیار اندک است، در بخش نخست - تألیف سیوطی - بر مراتب فراوانتر است.

تفسیر الجلالین با وجود ایجاز و اختصارش، به دلیل سبک ویژه آن - که گزیده‌ای از آرای تفاسیر مأثور و لغوی اهل سنت به شمار می‌آید - همواره مورد اعتنای دانشمندان اسلامی بوده و گاه متنی درسی شده است (- صاوی، ج ۱، ص ۲؛ ذهبی، ج ۱، ص ۳۳۷). به گفته محمد رشیدرضا (ج ۱، ص ۱۵) شیخ محمد عبده با آنکه علاقه‌ای چندان به مراجعه، نقل و حتی مطالعه تفاسیر متقدم نداشت، به تفسیر الجلالین مراجعه و استناد می‌کرد.

این کتاب بارها، به صورتهای مختلف و حتی در حواشی برخی قرآنها و غالباً همراه با کتاب *لباب النقول* فی اسباب النزول به چاپ رسیده و از دیرباز مخطوطات فراوانی از آن در کتابخانه‌های مختلف بر جای مانده است. بکائی (ج ۵، ص ۱۹۸۲-۱۹۸۶) فهرستی از ۱۳۴ نسخه مخطوط آن را ارائه کرده است.

از میان حواشی و شروح این تفسیر، نوشته دو تن تداول و شهرت بسیار داشته است: حاشیه جمل از سلیمان بن عمر عجمی مشهور به جمل (متوفی ۱۲۰۴) با عنوان *الفتوحات الالهیه بتوضیح تفسیر الجلالین للذائق الخفیه*، و حاشیه دیگر از شاگرد وی احمد بن محمد خلوتی مشهور به صاوی (۱۱۷۵-۱۲۴۱) که با عنوان *حاشیه العلامة الصاوی علی تفسیر الجلالین* چاپ شده است. حاجی خلیفه (ج ۱، ستون ۴۴۵) و اسماعیل پاشا

بغدادی (ج ۱، ستون ۳۰۴) از شروح و حواشی دیگری نیز یاد می‌کنند که چندان شناخته نیستند.

منابع: ابن عماد اسماعیل بغدادی، *ایضاح المکنون*، ج ۱، در حاجی خلیفه، ج ۳؛ محمد حسن بکائی، *کتابنامه بزرگ قرآن کریم*، تهران ۱۳۷۴ ش - ۱ سلیمان بن عمر جمل، *الفتوحات الالهیه بتوضیح تفسیر الجلالین للذائق الخفیه*، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی [بی.تا.]. حاجی خلیفه؛ محمد حسین ذهبی، *التفسیر و المفسرون*، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ محمد رشیدرضا، *تفسیر القرآن الحکیم المشتهر باسم تفسیر المنار* [تقریرات درس] شیخ محمد عبده، ج ۱، مصر ۱۳۷۳/۱۹۵۲؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، *لباب النقول فی اسباب النزول*، تونس ۱۲۰۲/۱۹۸۱؛ احمد بن محمد صاوی، *حاشیه العلامة الصاوی علی تفسیر الجلالین*، بیروت [۱۳۵۸]؛ نورالدین عترة، «منزل روایت از منظر سیوطی در تفسیر جلالین»، ترجمه کاظم طباطبایی، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲۹ و ۵۰ پاییز و زمستان ۱۳۷۹؛ محمد بن احمد محلی و عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، *تفسیر القرآن العظیم* [معروف به تفسیر الجلالین]، اسنابول؛ دارالاندلس، [بی.تا.]. Hartmut Bobzin, "Notes on the importance of variant readings and grammar in the *Tafsir al-Galalayn*", *Zeitschrift für arabische Linguistik*, 15 (1985); *Et*, s.v. "Al-Suyūṭi" (by Carl Brockelmann).

/ مرتضی کریمی نیا /

تفسیر امام جعفر صادق، مجموعه‌ای از روایات

تفسیری با صبغه‌ای عرفانی - اشاری منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام. این روایات، به طور پراکنده، در قرن سوم هجری در محافل صوفیان کوفه و بغداد بازگو می‌شد (سلمی، ج ۱، مقدمه ماسینیون، ص ۹). نخستین بار ابو عبدالرحمان سلمی (متوفی ۴۱۲) آنها را در کتاب *حقائق التفسیر** گردآوری کرد و آشنایی ما با این تفسیر تنها از طریق نقل قولهای اوست. هنوز روشن نیست که سلمی متن کامل تفسیر را روایت کرده است یا خیر. شواهدی ثابت می‌کند که وی متن کامل را روایت نکرده، چنانکه خرگوشی در تهذیب الاسرار، مستخباتی از این تفسیر را به دست داده که در کتاب سلمی نیست. همچنین روزبهان بقلی (متوفی ۶۰۶) در کتاب *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، قطعاتی نقل کرده که در *حقائق التفسیر* یافت نمی‌شود (نویا، ص ۱۳۰، پانویس ۴۵).

در مجموعه نافذپاشا کتابخانه سلیمانیه تفسیری منسوب به امام جعفر صادق وجود دارد که گردآورنده آن احمد بن محمد بن حرب است. وی این تفسیرها را، بترتیب، از طریق ابوطاهر بن مؤمن، ابو محمد حسن بن محمد بن حمزه، محمد بن حمزه (پدر

کاملاً شیعی است و بعید است از تفسیری سنی باشد. نويا (ص ۱۳۱)، به رغم اشاره به تفاوت‌های دو مجموعه تفسیری مذکور، به این نتیجه رسیده است که با اثری واحد، دارای فکر و سبک و حتی محتوای معنوی واحد، روبروست و از آن مهمتر، در هر دو نسخه جملاتی با الفاظ یکسان یافت می‌شود.

در باب گردآورندگان یا راویان اثر نیز اختلاف نظر وجود دارد. ماسینیون (سلمی، ج ۱، مقدمه، ص ۱۲) به نام چند تن اشاره کرده که نخستین آنها جابر بن حیان کوفی (قرن دوم) است. از جمله دلایل وی این است که جابر بن حیان کتابهایی به نام امام تألیف کرده؛ ذوالنون مصری (متوفی ۲۴۶)، که به ادعای ماسینیون نخستین ویراستار تفسیر امام جعفر صادق است، شاگرد ابن حیان در علم کیمیا بوده؛ و ابن حیان کتابهایی در زهد نوشته و لقبش نیز «صوفی» بوده است. ابن ندیم (ص ۴۲۲) نیز در زمره کتابهای ابن حیان به کتاب التفسیر اشاره کرده، اما آقابزرگ طهرانی (ج ۴، ص ۲۶۸) درباره اینکه چنین کتابی تفسیر قرآن باشد تردید دارد. گرچه جابر بن حیان در کیمیا شاگرد امام صادق دانسته شده (سزگین، ج ۱، جزء ۳، ص ۲۶۷) و ابن ندیم (ص ۴۲۰) این ادعا را به شیعیان نسبت داده، در هیچیک از کتابهای رجال شیعه از جابر بن حیان نامی برده نشده است. نويا (ص ۱۲۹-۱۳۰) دلیل این امر را در روایتهایی می‌یابد که درباره امام صادق نقل شده و منعکس‌کننده دو وجه واقعی و فراواقعی شخصیت ایشان است.

شخصیت دیگری که از او به عنوان گردآورنده مجموعه تفسیری یاد می‌شود، ابن ابی العوجاء است. ماسینیون (سلمی، ج ۱، مقدمه، ص ۱۳) برای تأیید این نظر نیز دلایلی آورده که به زعم خود او قوی‌اند، از جمله اینکه معتقد است ابن ابی العوجاء (که از طریق حماد بن سلمه، از مریدان قدیم حسن بصری است) اصول عقاید خود را اصلاح کرده و مجموعه‌ای از احادیث فراهم آورده بوده است. ماسینیون می‌افزاید که این مجموعه بر مشرب عرفانی است و گردآورنده آن، مانند حلاج، آماج دو تهمت ظاهراً متضاد (تشبیه و تعطیل) است. دلایل مذکور کافی نیست و سخنان ماسینیون از حد احتمال فراتر نمی‌رود. علاوه بر این، ابن ابی العوجاء در زمره اصحاب امام صادق ذکر نشده است. از آن مهتر اینکه وی در ۱۵۵، به اتهام زندیق بودن، در کوفه به قتل رسیده (ابن اثیر، ج ۶، ص ۷) و نه تنها از امام صادق روایتی نقل نکرده، بلکه مناظره‌هایی با حضرت داشته است (برای نمونه - کلینی، ج ۱، ص ۷۶-۷۷؛ مجلسی، ج ۳، ص ۳۱).

از دیگر کسانی که احادیث روایت شده از امام صادق را نقل

حسن بن محمد، ابو محمد حسن بن عبدالله (عموی حسن بن محمد)، علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام موسی بن جعفر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده است (آتش، ص ۴۳). باورینگ^۱ (ص ۵۲) در معرفی مأخذ زیادات حقائق التفسیر اشاره کرده که سلمی در این تفسیر، به نقل از ابوبکر احمد بن نصر بغدادی (متوفی بعد از ۳۶۵) و او نیز به نقل از عبدالله بن احمد بن عامر، او نیز از پدرش و او از طریق امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و پدرش از امام جعفر صادق علیه السلام سخنانی نقل کرده است.

علاوه بر این، در الذریعه (آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۲۶۹) از رساله‌ای به نام تفسیر الامام جعفر بن محمد الصادق یاد شده که نسخه‌ای از آن در کتابخانه علی پاشا در استانبول موجود است. بنابر الذریعه، در کتابهای تذکره نویسان و عالمان رجال امامیه، به این کتاب اشاره‌ای نشده است و احتمال دارد تفسیر مذکور را برخی از اصحاب امامان از ائمه روایت کرده باشند. به نظر می‌رسد که این اثر همان نسخه پیشین باشد.

رساله دیگری نیز وجود دارد که به تفسیر نعمانی^۲ معروف است و گاه تفسیر امام جعفر صادق خوانده می‌شود. ابو عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی، معروف به ابن ابی زینب، از محدثان سده چهارم و از شاگردان کلینی، کتاب تفسیر القرآن لاهل البیت را نگاشته و مجلسی در بحار الانوار این تفسیر را (ج ۹۰، ص ۹۷-۳) نقل کرده است.

مجموعه تفسیری مورد بحث، بترتیب، از طریق احمد بن محمد بن سعید، ابن عقیده، احمد بن یوسف بن یعقوب جعفی، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی و پدرش از اسماعیل بن جابر، از امام صادق نقل شده است که همه راویان آن شیعه‌اند. اگرچه ابن عقیده مذهب زیدی جارودی داشته است (- نجاشی، ص ۹۴؛ طوسی، ص ۲۸) و حسن بن علی بن ابی حمزه و پدرش نیز در شمار واقفه بودند (- بطائنی^۳، ص ۵). این تفسیر را که دست‌کم دو نسخه از آن موجود است - می‌توان همتای شیعی نسخه ابن عطا دانست که سلمی آن را در تفسیر خود نقل کرده است (نويا، ص ۱۳۱؛ سلمی، ج ۱، مقدمه نويا، ص ۶).

نويا (ص ۱۳۱، پانویس ۴۸) در باب تفاوت‌های محتوایی روایت سنی و روایت شیعی مجموعه تفسیری امام جعفر صادق، به این نکته اشاره کرده که در متن سلمی، تمام روایتهای تفسیرهایی که به اهل بیت اشاره داشته‌اند، حذف شده‌اند و تنها یک جا (در نسخه خطی ینی‌جامع، ش ۴۳) در باب تفسیر آیه «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ...» (بقره: ۳۷) روایتی نقل شده که

کرده، فضیل بن عیاض مکی (متوفی ۱۸۷) است (سلمی، ج ۱، مقدمه ماسینیون، ص ۹). عالمان رجال وی را، که از مشایخ تصوف است، جزو محدثان آورده و توثیق کرده‌اند (برای نمونه - ابن حیّان، ج ۷، ص ۳۱۵؛ محمد بن احمد ذهبی، ج ۳، ص ۳۶۱). قاضی عیاض سبّی (ج ۲، ص ۲۱۴) فضیل را از شاگردان مالک دانسته و گفته که وی از مالک حدیث و فقه آموخته است. ذوالنون مصری، سنی مذهب دیگر، نیز از این احادیث یاد کرده است (سلمی، همانجا). ذوالنون نیز از جمله شاگردان و دانش‌آموختگان مستقیم مالک بوده است (قاضی عیاض، ج ۲، ص ۱۸۹). با اینهمه، نقل است که وی این احادیث تفسیری را از طریق فضل بن غانم خُزاعی از مالک اخذ کرده و مالک نیز احتمالاً آنها را از امام جعفر صادق گرفته بوده است (سلمی، ج ۱، مقدمه ماسینیون، ص ۱۰). محمد بن احمد ذهبی (ج ۲، ص ۳۳)، به نقل از دارقطنی، آورده که در اعتبار برخی از روایتهایی که ذوالنون از مالک نقل کرده، تردید هست، اما این روایتها را مشخص نکرده است. ابن ندیم (ص ۴۱۹، ۴۲۳) ذوالنون را در زمره کسانی دانسته که در علم کیمیا تألیفاتی دارند، اما سخنی از تفسیر او به میان نیاورده است.

در صحت سخنان ماسینیون و پژوهشگران و شرق‌شناسان دیگر، در استناد این مجموعه به امام صادق، تردید فراوان وجود دارد. سخنان آنها گاه از حدس و احتمال فراتر نمی‌رود و در شرح حال شخصیتهای یادشده (فضیل بن عیاض، جابر بن حیّان، ابن ابی العوجاء و ذوالنون مصری) هیچ شاهی وجود ندارد که بر این مدعا دلالت کند. با اینهمه، در باب اصالت این تفسیر دو دیدگاه هست: نخست دیدگاه منتقدان که تفسیر مذکور را یکسره معمول و ساخته برخی صوفیان دوره‌های متأخر می‌دانند. ابن تیمیّه در این زمره جای دارد. وی در کتاب *منهاج السنة النبویة* (ج ۸، ص ۱۱)، در بخش مربوط به امام جعفر صادق، به احادیث دروغینی اشاره کرده که به آن حضرت نسبت داده شده و غالباً در باره علوم غریبه است. ابن تیمیّه افزوده است که ابو عبد الرحمن سلمی در کتاب *حقائق التفسیر* نیز مجموعه‌ای از روایات تفسیری را از امام صادق نقل کرده که یکسره صبغه باطنی دارند و آشکارا تحریف مراد خداوندند، در حالی که هر خردمندی می‌داند که چنین اقوالی از جعفر بن محمد صادر نشده و آنها را به دروغ به وی نسبت داده‌اند. به نوشته ابن تیمیّه (ج ۲، ص ۴۶۵)، مجموعه کتابهای منسوب به امام صادق، از جمله تفسیر مذکور، در دوره‌های بعد نگارش یافته است. ابن خلدون (ج ۱: مقدمه، ص ۴۱۶) نیز ضمن اشاره به کتاب جعفر، منسوب به امام صادق، می‌گوید که در این کتاب تفسیر قرآن و معانی

غریبی که از باطن آن مستفاد می‌شود نیز از امام جعفر صادق روایت شده است، ولی روایت کتاب پیوسته و متصل نیست. وی می‌افزاید که عین این کتاب دیده نشده و از آن کلمات و خبرهای شاذی که به هیچ دلیلی متکی نیست در میان مردم منتشر شده است. محمد حسین ذهبی نیز (ج ۲، ص ۴۲۱) با اشاره به *حقائق التفسیر*، بخش روایات تفسیری منقول از امام صادق را یکسره بی‌پایه و نامعتبر دانسته و آن را به برخی راویان شیعی نسبت داده است.

در مقابل ناقدان، موافقان بر اصالت این تفسیر و صحت انتساب آن به امام جعفر صادق تأکید کرده‌اند. لویی ماسینیون در صدر این گروه قرار دارد. وی در کتاب «تحقیق در مبادی اصطلاحات عرفان اسلامی»^۱ برای نخستین بار به اهمیت این تفسیر اشاره (نویا، ص ۱۳۰) و برای تصحیح سند آن تلاش فراوان کرده است. به گفته ماسینیون، تعیین اینکه از میان روایات محافل سنی و عرفانی، کدام روایتها محققاً از امام شیعیان به ما رسیده، دشوار است (سلمی، ج ۱، مقدمه، ص ۱۱). با اینهمه، می‌افزاید با ملاحظه مقایسه‌های جالبی در اصول عقاید، میان برخی از کلمات تفسیر عرفانی منسوب به امام صادق از سویی، و سخنان پراکنده مروی از طریق جداگانه به نقل از غلات شیعه (تفسیریه و دروزیه) از سوی دیگر، پیشاپیش نمی‌توان انتساب کلمات این تفسیر عرفانی را به امام جعفر صادق بکلی رد کرد (همان، ج ۱، مقدمه ماسینیون، ص ۱۲). ماسینیون چند نمونه از این مقایسه‌های عقیدتی را ذکر می‌کند، اما به گفته نویا (ص ۱۳۱) این نمونه‌ها به سبب ابهام آنها قانع‌کننده نیستند.

در باب سبک و محتوای این تفسیر چند نکته گفتنی است: این تفسیر حدود ۳۵۰ روایت، در تفسیر ۳۱۰ آیه پراکنده از اول تا آخر قرآن کریم، را در بر دارد (مبلغ، ص ۲۹۹). ابتدا بخشی از آیه ذکر و سپس با عبارتهایی چون قال جعفر یا جعفر الصادق یا جعفر بن محمد به تفسیر آن پرداخته شده است. نکته دیگر اینکه تفسیر مذکور، تفسیر ماثور به شمار نمی‌آید؛ هیچیک از روایات یا احادیث، جز دو مورد که در برخی نسخ خطی موجود برای آنها سلسله سند ذکر شده، مستند نیستند (سلمی، ج ۱، ص ۲۲، پانویس ۱، ص ۲۳، پانویس ۶). سومین نکته اینکه در میان روایات عرفانی این تفسیر، روایتهای کلامی نیز وجود دارد که از نظر سبک و روش متفاوت‌اند (مبلغ، ص ۳۰۰).

تفسیر مذکور با روایتی از امام صادق آغاز می‌شود که طبق آن، آیات قرآن چهار قسم‌اند: عبارات، اشارات، لطایف و حقایق. عبارات برای عامه مردم، اشارات برای خواص، لطایف از آن اولیا و حقایق خاص انبیاست. روشن است که این تقسیم‌بندی با

1. *Essai sur les origines du lexique thechnique de la mystique musulmane*

تفسیر امام جعفر صادق نخستین بار، پس از معرفی ماسینیون، به کوشش و تصحیح پل نوپا در ۱۹۶۸ در بیروت منتشر شد. مقدمه نوپا بر این تصحیح، به فارسی ترجمه شده و به همراه مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی (ج ۱، ص ۵-۸) منتشر گردیده است. علاوه بر این نوپا در پژوهشی مستقل به بحث درباره این تفسیر پرداخته است. علی زیمور، پژوهشگر لبنانی، تفسیر امام صادق را تصحیح کرد و در ۱۹۷۹ با عنوان *التفسير الصوفي للقرآن عند الصادق* به چاپ رساند.

منابع: سلیمان آتش، مکتب تفسیر اشاری، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران ۱۳۸۱ ش؛ آقابزرگ طهرانی؛ ابن اثیر؛ ابن تیمیّه، *منهاج السنة النبویه*، چاپ محمد رشاد سالم، [حجاز] ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ ابن حبان، کتاب الثقات، حیدرآباد دکن ۱۳۹۳-۱۴۰۳/۱۹۷۳-۱۹۸۳، چاپ انت بیروت [بی تا]؛ ابن خلدون؛ ابن ندیم؛ محمد بن احمد ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، چاپ علی محمد بجای، قاهره ۱۹۶۳-۱۹۶۴، چاپ انت بیروت [بی تا]؛ محمد حسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ نواد سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء ۳، نقله الی العربیة محمود فهمی حجازی، ریاض ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ محمد بن حسین سلمی، مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، بخشهایی از حقائق التفسیر و رسائل دیگر، چاپ نصرالله پورجوادی، ۱- حقائق التفسیر، تهران ۱۳۶۹-۱۳۷۲ ش؛ محمد بن حسن طوسی، الفهرست، چاپ محمد صادق آل بحر العلوم، نجف [۱۳۵۶/۱۹۳۷]، چاپ انت قم [بی تا]؛ عیاض بن موسی قاضی عیاض، ترتیب المدارک و تقریب المسالك لمعرفة اعلام مذهب مالک، ج ۲، چاپ عبدالقادر صحرایی، مغرب ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ کلینی؛ محمد حسین مبلغ، پژوهشی درباره تفسیر عرفانی امام صادق (ع)، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۶-۵ (بهار و تابستان ۱۳۷۵)؛ مجلسی؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ محمد حسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۰، چاپ عباس قوچانی، بیروت ۱۹۸۱؛ پل نوپا، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران ۱۳۷۳ ش؛

Gerhard Böwering, "The major sources of Sulamī's minor Qur'ān commentary", *Oriens*, vol. 35 (1996).

/ محمد تقی سبحانی و محمد تقی کرمی /

تفسیر امام حسن عسکری، از تفاسیر روایی امامیه،

متعلق به قرن سوم. متن این تفسیر تا پایان آیه ۲۸۲ سوره بقره موجود است. این تفسیر با بیان روایاتی راجع به فضائل قرآن و تأویل و آداب قرائت قرآن آغاز شده و با ذکر احادیثی مشتمل بر فضائل اهل بیت (برای نمونه - حدیث سدا لا یواب، ص ۱۷) و مثالب دشمنان اهل بیت (ص ۴۷) ادامه یافته است. بحثهای متعددی نیز درباره سیره نبوی، بخصوص راجع به مناسبات

آموزه‌های صوفیانه کاملاً مطابقت دارد. در این تفسیر نیز به تفصیل به شرح و بیان حروف مقطعه پرداخته شده است. همچنین در آن، اصطلاحات و مفاهیمی چون فناء، ماهیت (سلمی، ج ۱، ص ۲۱)، خواطر (همان، ج ۱، ص ۲۸)، نورالدیمومیه یا نورالهویه (همان، ج ۱، ص ۴۵)، مشاهده (همان، ج ۱، ص ۴۶)، خلعة الهدایة (همان، ج ۱، ص ۶۲) نیز - نوپا، ص ۱۵۶-۱۷۸) به کار رفته است. انتساب بسیاری از این تعبیرها به امام جعفر صادق صحیح نیست، زیرا عباراتی چون «فناء فی الله» و «بقاء بالله» در دوره‌های بعد رایج شدند و بسیاری از عبارتهای دیگر نشان از سده‌های سوم و چهارم دارند (آتش، ص ۴۸).

از سوی دیگر برخی روایتهای این تفسیر یکسره با باورهای شیعه امامیه ناسازگارند، از جمله در پایان آیات سوره حمد، روایتی از امام جعفر صادق در تفسیر کلمه آمین نقل شده (سلمی، ج ۱، ص ۲۳) که تنها با مذهب فقهی اهل سنت سازگار است و فقیهان شیعه، به اتفاق، ذکر این کلمه را جایز نشموده و حتی آن را از مبطلات نماز ذکر کرده‌اند (- نجفی، ج ۱۰، ص ۴۰۲). در تفسیر آیه «... أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (مائده: ۳) نیز «اليوم» را اشاره به بعثت پیامبر دانسته است (سلمی، ج ۱، ص ۲۸) و حال آنکه مفسران شیعه، به اجماع و با استناد به احادیث متواتر، آیه مزبور را ناظر به روز غدیر خم می‌دانند. همچنین ذیل آیه «أَلَلَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (نور: ۳۵)، مطابق روایتی از امام صادق، نور الارض به خلفای چهارگانه تعبیر شده است (همان، ج ۱، ص ۴۵). ذیل آیه دهم سوره حدید، در باب خلیفه اول، تعبیری از امام صادق نقل شده که با باورهای شیعه چندان سازگار نیست (- سلمی، ج ۱، ص ۵۸). بر این اساس، عجیب به نظر می‌رسد که چگونه نوپا تفسیر نعمانی را همتای شیعی تفسیر امام جعفر صادق دانسته و گذشته از مقارنه‌های عقیدتی، دو اثر مذکور را دارای فکر و سبک و حتی محتوای واحد دانسته است. اگرچه خود وی، در جایی دیگر (ص ۱۳۱، پانویس ۴۸)، به این نکته اشاره کرده که در متنی که سلمی در کتاب خود حفظ کرده، هر چه اشاره‌ای به اهل بیت داشته، حذف شده است.

در مجموع، دلایل و شواهد علمی معتبر برای اثبات اصالت این تفسیر و صحت انتساب آن به امام صادق در دست نیست و اطلاعات موجود، از حدس و گمان فراتر نمی‌رود. اگرچه باید به این نکته نیز توجه داشت که منشأ تاریخی تفسیر منسوب به امام صادق هر چه باشد، ورود این تفسیر به جهان تصوف هم‌زمان با شکل‌گیری تعالیم عرفانی و پدید آمدن واژه‌های فنی صوفیانه بوده است و در واقع، به گفته نوپا (ص ۱۳۲)، یکی از قدیمترین شواهد قرائت استنباطی یا تجربی قرآن است.